
جفر و جامعه و رابطه آن‌ها در علم امامان شیعه

الهام محمدزاده*

رضا نیرومند**

سید محمد مرتضوی***

◀ چکیده:

اکثر دانشمندان شیعه معتقدند که ائمه علیهم‌السلام علم خویش را از طریق منابعی کسب کرده‌اند؛ لذا علم ایشان امری ذاتی و استقلالی نیست بلکه جنبه افاضی دارد. در روایات شیعه و سنی، درباره تعدد این منابع، به تفصیل سخن گفته شده که برخی مانند الهام و تحدیث صرفاً جنبه ملکوتی دارند و بعضی دیگر از منابع مانند جفر و جامعه، علاوه بر بُعد ملکوتی، به نحو ظاهری و مکتوب نیز وجود دارند. در این مقاله، با تأمل در روایات، نتیجه گرفته شده که دو کتاب جفر و جامعه، مستقل از یکدیگرند؛ بخش عمده‌ای از کتاب جفر شامل علوم غیبی و اخبار گذشته و آینده و منایا و بلایا و علم حروف و اعداد (علم جفر) و کتاب جامعه که به نام کتاب علی خوانده شده، بخش‌های وسیعی از تمام احکام شرعی و اخلاقیات را دربردارد. مهم‌ترین ویژگی این دو کتاب این است که هیچ‌گاه کهنه نمی‌شوند و در نتیجه، تمام نیازهای مردم را تا روز قیامت دربردارند. این مطلب نشان می‌دهد که کلمات این صحیفه‌ها مانند قرآن کریم، دارای مراتب و بطون نامتناهی بوده و از تجلیات اسماء الهی‌اند.

◀ کلیدواژه‌ها: علم امام، جفر، جامعه، کتاب علی.

* دانشجوی دکتری دانشگاه فردوسی مشهد / e.mohammadzadeh@ub.ac.ir

** استادیار دانشگاه بجنورد / r.niroomand@ub.ac.ir

*** دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد، نویسنده مسئول / Mortazavi-m@um.ac.ir

مقدمه

از دیدگاه علمای شیعه، افضلیت علمی امامان علیهم‌السلام دلیل محکمی بر اثبات امامت ایشان می‌باشد. تفاوت دیدگاه اندیشمندان شیعی در بحث ماهیت و حدود علم امام ظاهر می‌شود. برخی از ایشان علم کامل امام به احکام شریعت را شرط افضلیت دانسته و علم لدنی (علم غیب) را مد نظر ندارند. (ابن شهر آشوب، بی تا، ج ۱، ص ۲۱۱/ ابن بابویه، ۱۳۶۳ش، ص ۱۳۱ و ۲۰۹؛ طبرسی، ۴۱۵ق، ج ۵، ص ۳۱۳) گروهی دیگر معتقدند ائمه علیهم‌السلام به تبعیت از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مقام خلیفه‌اللهی را دارا بوده و از علم غیب افاضی بهره‌مندند، زیرا ایشان به دلیل سجده ملائکه بر انسان، از فرشتگان فراترند و چون آن‌ها اطلاع از غیب دارند، به طریق اولی، ائمه نیز دارای این مقام‌اند. نیز علم ایشان از سنخ علم به اسماء الهی است که ظاهر و باطن را دربرمی‌گیرد؛ لذا هم شامل علوم تنزل یافته عالم طبیعت و هم دربردارنده علوم حقیقی و ربانی است. (جوادی آملی، ۱۳۸۵ش، ج ۱، ص ۱۳۶ و ج ۴، ص ۹۵/ نجفی لاری، ۱۳۸۸ش، ص ۲۰/ طباطبایی، ۱۳۶۶ش، ص ۳۵) در عین حال، ائمه علیهم‌السلام همواره علوم خود را به منابع مختلف استناد کرده‌اند که حاکی از افاضی (عنایی) بودن علم ایشان است. برخی از این منابع، صرفاً جنبه باطنی و ملکوتی داشته مانند الهام، تحدیث، و برخی دیگر که به شکل کتاب‌ها و صحیفه‌های قابل رؤیت ظاهری اند مانند جفر و جامعه. در روایات اهل بیت علیهم‌السلام به صورت مکرر نقل شده که جفر و جامعه به املائی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و خط علی علیه‌السلام نگارش یافته است. (کلینی، بی تا، ج ۱، ص ۳۴۹) وجود این منابع دال بر وراثتی بودن علم ایشان از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است، هم‌چنان‌که ائمه فرمودند: اگر بنا بر رأی خود سخن بگوییم، از هلاک‌شدگان خواهیم شد ولیکن آثاری از پدرانمان از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به ما رسیده که اصول دانش‌ها در آن‌هاست و آن‌ها گنجینه ماست همچنان‌که طلا و نقره گنجینه مردمان است. (صفار، ۱۳۸۹ش، ج ۲، ص ۱۳۵)

محور اصلی این مقاله درباره جفر و جامعه، تبیین محتوا و بیان تفاوت این دو منبع است و سؤال اساسی این است که آیا جفر و جامعه دو عنوان یک کتاب هستند یا دو کتاب مستقل‌اند؟ در این صورت، محتوای این دو کتاب چه تفاوت‌هایی با هم دارند؟ در بررسی این سؤالات، چند کتاب محدود و مقاله در برخی دانشنامه‌ها نگاشته شده و در

تبیین احادیث، عمدتاً به بررسی سندی و رجالی اکتفا گردیده است. در برخی از این منابع، استقلال دو کتاب جفر و جامعه را رد نموده (حسین زاده باجگیران، ۱۳۸۰، ص ۴۲) و بعضی دیگر قائل اند که انتساب علم جفر به کتاب جفر ائمه علیهم‌السلام ادعایی بدون دلیل است. (حداد عادل، ۱۳۷۵ش، ج ۱۰، ص ۴۷۸) یا در مواردی که انتساب این علوم را به ائمه علیهم‌السلام بیان کرده‌اند، دلیلی بر این مدعا ذکر ننموده‌اند. (موسوی بجنوردی، ۱۳۶۷ش، ج ۱۸، ص ۲۸۸) نگارنده در مقاله حاضر سعی دارد علاوه بر مدلل نمودن این انتساب از طریق رویکردهای نقلی و حدیثی، در برخی موارد، این مسئله را با رویکرد عقلی مورد بررسی قرار دهد.

جفر در لغت و اصطلاح

جفر در زبان عربی کاربردهای زیادی دارد و در لغت به بچه‌بزر چهارماهه یا به بزغاله و بره‌ای که بزرگ شود و غذا بخورد می‌گویند. (ابن اثیر، ۱۳۶۷ق، ج ۱، ص ۲۲۷) گاهی به پوست گوسفند و میش و بز یا هر پوستی که بر آن چیزی بنویسند، می‌گویند. (طریحی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۲۴۸) نیز به معنای چاهی است که پر نشده یا جعبه‌ای از جنس پوست که چوب ندارد. (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۱۴۲)

جفر در اصطلاح روایات، به کتب یا کتاب مخصوصی گفته می‌شود که نزد اهل بیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است و به املائی رسول اکرم و خط علی علیه‌السلام بر پوست حیواناتی مثل گوسفند، بز، گاو و شتر نگاشته شده است. این مطلب در روایات شیعه و سنی ذکر شده است چنان‌که از ام سلمه نقل شده که جبرئیل بر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مطالب را املا می‌کرد و ایشان مطالب را برای علی علیه‌السلام املا می‌فرمود. (ابن المغازلی، ۱۴۲۴ق، ص ۲۲۶) نیز در روایت مشابهی از ام سلمه گزارش شده که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در خانه من، علی علیه‌السلام را دعوت نمود و مطالب زیادی را بر وی املا فرمود. (صفار، ۱۳۸۹ش، ج ۱، ص ۵۹۴)

جفر در اصطلاحی دیگر، به نوعی از علوم غریبه گفته می‌شود که از طریق ترکیب حروف و اعداد آن حروف می‌توان به حوادث گذشته و آینده علم پیدا کرد. (اخلاطی، بی تا، ص ۲۱/دهدار، شماره ۱۰۷۷۰، ص ۲) در توضیح این علم گفته شده که همان‌طور که می‌توان از خط (وجود کتبی) به لفظ (وجود لفظی) و از لفظ به معنا (وجود ذهنی) و از معنا به شیء خارجی (وجود خارجی) دلالت یافت، می‌توان از همان وجود کتبی، کلمات

به معانی غیبی و باطنی آن راه پیدا کرد. (اخلاطی، بی تا، ص ۲۱/ ابن عربی، شماره ۳۳۴۶۲، ص ۱۰۹) زیرا اینها ظهورات شیء واحد هستند و واضح حقیقی این الفاظ و معانی در مظاهر انسانی، خداوند متعال است که کل اسماء را به آدم آموخت. (بقره: ۳۱) پس دلالت الفاظ بر معانی آن‌ها دلالت وضعی نیست، بلکه دلالت طبعی و ذاتی است و این امر بر خلاف نظر علما نحو و منطق است. حال با نوشتن حروف ابجدی و ترکیب آن‌ها با اعدادشان در جدول‌های خاص، می‌توان روابط پیچیده‌ای را کشف کرد. شاهد این سخن این است که اذکار فراوانی در کتب ادعیه و روایات نقل شده که تعداد خاصی برای آن بیان گردیده است و رعایت این ترکیب آثاری مخصوصی را ظاهر می‌کند. (کلینی، بی تا، ج ۴، ص ۳۵۱ و ۳۵۳-۳۵۵ و ۴۲۸-۴۳۱) البته درک کامل دلالت این حروف و اعداد بر مدلولات حقیقی آن و فهم اصول این علم و استنتاج از آن در همه مراتب وجود، در دو قوس نزول و صعود، مستلزم داشتن طهارت کامل است که مختص به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت ایشان می‌باشد، چنان‌که امام کاظم علیه السلام فرمود: «عَلَىٰ اِثْنِي اَكْبَرُ وُلْدِي وَ اَسْمَعُهُمْ لِقَوْلِي وَ اطْوَعُهُمْ لِأَمْرِي يَنْظُرُ مَعِيَ فِي كِتَابِ الْجَفْرِ وَ الْجَامِعَةِ وَ لَيْسَ يَنْظُرُ فِيهِ اِلَّا نَبِيٌّ اَوْ وَصِي نَبِيٍّ: پسر من علی بزرگ‌ترین فرزند و شنواترین آن‌ها نسبت به گفتار من و از همه، بیشتر مطیع دستور من است، با من در نگاه کردن به جفر و جامعه شریک است و کسی در آن نگاه نمی‌کند مگر پیامبر یا وصی پیغمبر باشد.» (ابن بابویه، ۱۳۶۳ش، ج ۱، ص ۳۱/ مجلسی، ۱۴۰۴ق [الف]، ج ۴۹، ص ۲۰) این سخن معصوم به این معنا نیست که هیچ‌کس نمی‌تواند به ظاهر این کتاب‌ها نگاه کند؛ چراکه تعدادی از اصحاب ائمه ادعا کرده‌اند که متن این صحیفه‌ها را دیده‌اند (ر.ک: بحث «جامعه و محتوای آن از منظر فریقین در همین مقاله») بلکه به این معناست که حقیقت علم این کتاب‌ها تنها در حیطة علم معصومین علیهم السلام است و متبحران از اهل عرفان، دانسته‌های خود را رشحه و رقیقه‌ای از دریای علم اهل بیت علیهم السلام می‌دانند. (ابن عربی، شماره ۳۳۴۶۲، ص ۱۰۹/ ده‌دار، شماره ۱۰۷۷۰، ص ۲/ شوشتری، ۱۴۰۹ق، ج ۲۸، ص ۶۶۹/ حسن‌زاده آملی، ۱۳۸۱ش، ج ۳، ص ۳۸۵ و ۴۱۵)

اقسام جفر در منابع شیعه

اقسام مختلفی از جفر در احادیث معرفی شده که عبارت‌اند از:

الف. کتاب جفر: امام صادق علیه السلام فرمود: «إِنِّي نَظَرْتُ فِي كِتَابِ الْجُفْرِ صَبِيحَةَ هَذَا الْيَوْمِ هُوَ الْكِتَابُ الْمُشْتَمَلُ عَلَى عِلْمِ الْمَنَايَا وَالْبَلَايَا وَالرَّزَايَا وَعِلْمِ مَا كَانَ وَمَا يَكُونُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ». امام صادق علیه السلام فرمود: صبح امروز در کتاب جفر می‌نگریستم و آن کتابی است که مشتمل بر علم منایا و بلایا و مصائب بزرگ، و علم گذشته و آینده تا روز قیامت می‌باشد. (ابن بابویه، ۱۳۶۳ش، ج ۲، ص ۳۵۳/مجلسی، ۱۴۰۴ق [الف]، ج ۵، ص ۲۱۹) امام به صراحت لفظ کتاب جفر را به کار می‌برند.

ب. جفر ابیض (سفید): امام صادق علیه السلام فرمود: «إِنَّ عِنْدِي الْجُفْرَ الْأَبْيَضَ قَالَ قُلْنَا وَ أَى شَىءٍ فِيهِ قَالَ لِي زُبُورُ دَاوُدَ وَ تَوْرَاةُ مُوسَى وَ أَنْجِيلُ عِيسَى وَ صُخُفُ إِبْرَاهِيمَ وَ الْحَلَالُ وَ الْحَرَامُ وَ...» امام صادق علیه السلام فرمود که جفر ابیض نزد من است، راوی پرسید که چه چیزی در آن وجود دارد؟ امام فرمود: محتوای آن زبور داوود، صحف ابراهیم، تورات موسی، انجیل عیسی، حلال و حرام و... می‌باشد. (کلینی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۴۵-۳۴۷؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق [الف]، ج ۲۶، ص ۳۷/صفار، ۱۳۸۹ش، ج ۱، ص ۵۵۴ و ۵۶۰) در شرح این روایت می‌توان دو احتمال را استنباط کرد که این پوست به عنوان مخزنی از جنس چرم، کتب انبیاء گذشته را دربرداشته، یا اینکه محتمل است بر روی این پوست محتویات کتب انبیاء گذشته نگاشته شده است که بخشی از آن به قواعد شرعی اختصاص یافته و ممکن است در بخش‌های دیگر وقایع گذشته و آینده و علوم الهی ثبت شده باشد.

ج. جفر احمر (سرخ) که امام صادق علیه السلام فرمود: «عِنْدِي الْجُفْرُ الْأَحْمَرُ قَالَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ وَ أَى شَىءٍ فِي الْجُفْرِ الْأَحْمَرِ قَالَ السَّلَاحُ وَ ذَلِكَ أَنَّهَا يَفْتَحُ لِلدَّمِ يَفْتَحُهُ صَاحِبُ السَّيْفِ لِلْقَتْلِ:» امام علیه السلام می‌فرماید: جفر سرخ نزد من است، راوی می‌پرسد چه چیزی در جفر سرخ وجود دارد؟ حضرت پاسخ می‌دهد: در آن سلاح رسول خدا جای دارد و حضرت قائم آن را برای جنگیدن باز می‌کند. (صفار، ۱۳۸۹ش، ج ۱، ص ۵۵۴؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق [الف]، ج ۲۶، ص ۳۸) در روایات آمده است که در این جفر، سلاح رسول خدا صلی الله علیه و آله جای دارد و تا قائم اهل بیت قیام نکند، آن سلاح بیرون نمی‌آید. (صفار، ۱۳۸۹ش، ج ۱، ص ۵۵۴/مجلسی، ۱۴۰۴ق [الف]، ج ۲۶، ص ۳۷/مفید، ۱۴۱۳ق [الف]، ج ۲، ص ۱۸۶) در حدیثی از امام صادق علیه السلام نقل شده که علی علیه السلام

مطابق با علمی که در جفر سفید بود با عرب رفتار می‌کرد و با ایشان مدارا می‌نمود، ولی قائم ما بر طبق آنچه در جفر سرخ است در میان عرب عمل می‌کند. (مجلسی، ۱۴۰۴ق[الف]، ج ۵۲، ص ۳۱۸) لذا به نظر می‌رسد این جفر هم مخزنی برای نگهداری سلاح پیامبر ﷺ باشد و هم علوم مربوط به جهاد و ملاحم و فتن در آن نگاشته شده است.

د. جفر ثور که امام صادق علیه السلام درباره آن فرمود: «وَأَمَّا قَوْلُهُ فِي الْجَفْرِ فَإِنَّمَا هُوَ جِلْدُ ثَوْرٍ مَذْبُوحٍ كَالْجِرَابِ فِيهِ كُتُبٌ وَعِلْمٌ مَا يَحْتَاجُ النَّاسُ إِلَيْهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ: جفر، پوست دباغی شده گاو است و مانند ظرفی از جنس پوست می‌باشد که عموم مردم به آن مشک می‌گویند. در آن صحیفه‌ها و علمی از حلال و حرام است که مردم تا روز قیامت به آن احتیاج دارند.» (مجلسی، ۱۴۰۴ق[الف]، ج ۴۷، ص ۲۷۲)

برخی معتقدند غیر از کتاب جفر، بقیه این پوست‌ها صرفاً کیسه‌هایی برای نگهداری صحیفه‌ها یا وسایل میراثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله هستند به گونه‌ای که جفر ابیض شامل کتاب‌های مقدس و جفر احمر شامل سلاح و زره پیامبر صلی الله علیه و آله و جفر ثور به عنوان جلد اصلی این‌ها می‌باشد که جفر ابیض و جفر احمر در داخل آن قرار دارند. (برکات، ۱۴۲۴ق، ص ۴۳-۵۱) البته برخی از علمای شیعه، جفر ابیض را همان جفر ثور (پوست دباغی شده گاو) می‌دانند که مخزن نگهداری کتب است. البته ایشان کتاب جفر را به عنوان یک کتاب مستقل می‌پذیرد که در آن، احکام حقیقی بیانگر واقع ذکر شده است. (مجلسی، ۱۴۰۴ق[ب]، ج ۳، ص ۵۸-۶۰) اما با توجه به احادیث فوق می‌توان نتیجه گرفت که از این پوست‌ها هم به عنوان مخزنی برای نگهداری کتب و اشیاء خاصی همچون زره و لباس و شمشیر رسول خدا صلی الله علیه و آله استفاده می‌شده و هم به عنوان صحیفه‌هایی که ائمه علیهم السلام علوم میراثی از پیامبر صلی الله علیه و آله را بر آن‌ها می‌نگاشتند، زیرا در گذشته برای نگارش مطالبی که می‌خواستند دوام بیشتری داشته باشد، از پوست حیوانات استفاده می‌کردند. لذا تنوع این پوست‌ها حاکی از تنوع علمی است که در آن‌ها درج شده است، چنان‌که امام باقر علیه السلام فرمود: همانا نزد من صحیفه‌ای است که در آن نوزده صحیفه می‌باشد و از رسول خدا صلی الله علیه و آله به ما ارث رسیده است. (صفار، ۱۳۸۹ش، ج ۱، ص ۵۳۵/مجلسی، ۱۴۰۴ق[الف]، ج ۲۶، ص ۲۴)

محتوای جفر در روایات شیعه

از جمله کتبی که به عنوان میراث مکتوب شیعه به املائی رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خط علی علیه السلام نگارش یافته، کتاب جفر است که در منابع حدیثی شیعه، درباره محتوای آن مطالب مختلفی نقل شده که اصل وجود آن را اثبات می‌کند. (کلینی، بی تا، ج ۱، ص ۲۴۰) اما در باب محتوای آن می‌توان روایات شیعه را در سه دسته جمع‌بندی کرد:

الف. دسته اول احادیث به این نکته اشاره دارند که علم جفر، علم به احکام و شرایع است و دلیل نامگذاری آن به جفر، نگارش آن علم بر روی پوست گوسفند یا بز بوده است. در روایتی، حسین بن ابی العلاء از امام صادق علیه السلام آورده است: جفر ایضاً نزد من موجود است و در آن زبور داوود، تورات موسی، انجیل عیسی، صحف ابراهیم و حلال و حرام... وجود دارد. (کلینی، بی تا، ج ۱، ص ۳۴۷ / مجلسی، ۱۴۰۴ [الف]، ج ۲۶، ص ۳۷) در حدیثی دیگر از ابوالقاسم کوفی روایت شده که: اولاد حسن از جفر سخن به میان آوردند و گفتند چیزی نیست و اصلی ندارد. هنگامی که این خبر به حضرت صادق گزارش شد، آن حضرت فرمود: دو تا پوست هستند: پوست بز و پوست میش که سرشارند از نوشته‌هایی که در آن‌ها همه چیز موجود است حتی دیه خراش. (صفار، ۱۳۸۹ ش، ج ۱، ص ۵۶۸ / مجلسی، ۱۴۰۴ [الف]، ج ۲۶، ص ۴۸)

ب. در گروه دوم روایات، علم جفر غیر از جامعه معرفی شده که تلویحاً از حوادث و امور غیبی خبر می‌دهد. ابوبصیر از امام صادق علیه السلام روایت طولانی را در باب جفر و جامعه و مصحف فاطمه علیها السلام نقل می‌کند که در آن، محتوای جامعه را احکام و علم به هر حلال و حرامی معرفی می‌کند، اما در مورد جفر می‌فرماید: ظرفی است سرخ‌رنگ از پوست دباغی شده که در آن، علم پیامبران و اوصیای ایشان وجود دارد. (کلینی، بی تا، ج ۱، ص ۳۴۵ / مجلسی، ۱۴۰۴ [الف]، ج ۲۶، ص ۳۸)

ج. گروه سوم روایات بر اینکه جفر حاوی اخبار غیبی و ملاحم است، تصریح دارند. در روایتی آمده است که امام باقر علیه السلام فرمود: نزد ما جفر است که پوست دباغی شده است که حتی بر روی ساق‌های آن هم نوشته شده و وقایع گذشته، حال و آینده تا روز قیامت در آن ثبت گردیده است. (صفار، ۱۳۸۹ ش، ج ۱، ص ۵۸۶ / طوسی، ۱۴۲۵ [الف]، ج ۱۶۷ / مجلسی، ۱۴۰۴ [الف]، ج ۲۶، ص ۴۸) در حدیث دیگری، امام صادق علیه السلام

می فرماید: امروز در جفر نگریستم و آن کتابی است مشتمل بر علم منایا و بلایا و علم گذشته و آینده تا روز قیامت که خداوند این علم را به محمد و ائمه علیهم السلام اختصاص داده است. (طوسی، ۱۴۲۵ق، ص ۱۶۸/ مجلسی، ۱۴۰۴ق [الف]، ج ۵۱، ص ۲۱۹/ فیض، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۴۱۹)

جفر از دیدگاه اهل سنت

دانشمندان اهل سنت در مواجهه با میراث علمی اهل بیت علیهم السلام و به خصوص جفر، دیدگاه‌های متفاوتی را ارائه کرده‌اند.

الف. برخی چنین میراثی را منکر گشته و می‌گویند حضرت علی علیه السلام هیچ نوشته خاصی را از پیامبر صلی الله علیه و آله دریافت نکرده مگر ورقه کوچکی به اندازه یک انگشت که محتوی سه جمله کوتاه بوده و آن نوشته را در غلاف شمشیرش نگه می‌داشته است. (بخاری، ۱۴۰۱ق، ج ۴، ص ۲۸۹)

ب. برخی دیگر وجود این کتاب‌ها را پذیرفته، اما آن را نشانه ضعف علمی امامان تفسیر می‌کنند که ایشان علمشان را از روی کتاب به دست می‌آورند. همچون ابوحنیفه که خود را اعلم از امام صادق علیه السلام می‌دانست، زیرا می‌گفت: جعفر صادق علیه السلام صحیفه‌هایی دارد که از آن‌ها علمش را اخذ می‌کند؛ اما ما با رأی و اجتهاد خود نظر می‌دهیم. (جرجانی، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۱۵۶/ ابن عساکر، ۱۹۸۶م، ج ۲۲، ص ۳۸۷)

ج. گروهی دیگر با تأکید بر روایات فراوان عامه معتقدند علی علیه السلام مصاحبت دائمی با رسول خدا صلی الله علیه و آله داشته و سخنان ایشان را می‌نگاشته است. در روایات مشابه و متعدد، از عایشه و ام سلمه نقل شده که رسول اکرم صلی الله علیه و آله پوست دباغی شده‌ای را آورد و علی نزد او بود و پیوسته مطالبی را املا می‌فرمود و علی می‌نگاشت تا جایی که همه قسمت‌های داخل و بیرون پوست و حتی ساق‌های آن پر گردید. (نسایی، ۲۰۰۱م، ج ۱۲، ص ۱۷/ بیهقی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۳۵۱)

دانشمندان اهل سنت در باب مطالب این کتاب‌ها نظریات خاصی بیان کرده‌اند. جرجانی می‌نویسد: جفر و جامعه دو کتاب است از علی (کرم الله وجهه) که در آن جمیع حوادث تا انقراض جهان به طریق علم حروف ذکر شده و اولاد او به واسطه آن کتاب‌ها حکم می‌کردند. (جرجانی، ۱۳۲۵ق، ج ۶، ص ۲۲) قندوزی نیز آورده است: امام علی علیه السلام

علم اسرار حروف را از پیامبر ﷺ به ارث برده است و این امر اشاره دارد به سخن ایشان که فرمود: «انا مدینه العلم و علی بابها فمن اراد العلم فعليه بالباب.» و علی اولین کسی است که مربع صددرصد را در اسلام وضع نمود و جفر جامع را در باب اسرار حروف و حوادث اولین و آخرین نگارش کرد. (قندوزی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۱۹۸-۱۹۹) ابن عربی با استدلال بر حدیث فوق، علی علیه السلام را وارث علم حروف از جناب رسول اکرم صلی الله علیه و آله دانسته و راوی این سخن را ابن عباس می‌داند و معتقد است که علم خودش رشحه‌ای از علم علی بن ابیطالب علیه السلام است. (ابن عربی، شماره ۳۳۴۶۲، ص ۱۲۶)

نیز گفته شده که جفر منسوب به امام صادق علیه السلام است و طائفه‌ای مدعی هستند که امام علی بن ابیطالب علیه السلام حروف تهجی ۲۸گانه را بر طریق بسط اعظم بر روی پوست جفری قرار داد تا از آن، به طرق مخصوص و شرایط معین و الفاظ خاص آنچه را در لوح قضا و قدر ثبت است، استخراج نماید و این علمی است که اهل بیت علیهم السلام آن را از همدیگر ارث می‌برده‌اند و برخی مشایخ و اولیا نیز از ایشان به ارث برده‌اند و روش آنان چنان بوده که آن را به صورت کامل از دیگران پنهان می‌کرده‌اند و گفته شده که بر حقیقت آن کتاب کسی نمی‌تواند تسلط کامل داشته باشد، مگر مهدی علیه السلام که خروج آن در آخر الزمان انتظار است. (حاجی خلیفه، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۹۱ و ج ۲، ص ۱۴۹) تفتازانی گوید: امام رضا علیه السلام بر پشت عهدنامه مأمون، در آخر آن نوشت که جفر و جامعه بر ضد آن دلالت دارد؛ یعنی که مأمون بر سر عهد خود نخواهد ماند. (تفتازانی، ۱۴۰۱ق، ج ۲، ص ۲۸۷) نیز نقل شده که اصل این علم از امام جعفر صادق علیه السلام است و در آن، علم حوادث و وقایع آینده بر اهل بیت علیهم السلام عموماً و بر برخی از ایشان خصوصاً موجود بوده است و آن علم برای جعفر و اهل بیت او به طریق کشف و کرامتی که برای اولیا واقع می‌شود، واقع شده است. آن کتاب به صورت مکتوبی نزد جعفر در پوست گوساله‌ای بوده که هارون عجلی (از بزرگان زیدیه) آن را روایت کرده و نام آن را جفر گذارده است به اسم پوستی که بر آن نگاشته شده بود. (ابن خلدون، ۲۰۰۶م، ج ۲، ص ۷۶۷-۷۶۸)

ارزیابی روایات جفر

در مواجهه با روایات مربوط به جفر و تبیین و ارزیابی آن‌ها، دانشمندان شیعه دیدگاه‌های مختلف و متعددی را طرح کرده‌اند که عبارت‌اند از:

الف. برخی از ایشان اگرچه جفر و جامعه را دو کتاب مستقل دانسته‌اند، اما محتوای هر دو کتاب را علم به همه احکام شریعت تا روز قیامت معرفی نموده‌اند و این نظریه را که برخی دیگر جفر را علم به امور غیبی از طریق اعداد و حروف تعریف کرده‌اند، رد نموده و ادعای ایشان را تهمتی بر شیعه دانسته‌اند.^۱ (امین، ۱۴۰۳ق، ص ۲۴۱، ۲۴۲ و ۲۹۵/ مغنیه، ۱۴۱۴ق، ص ۳۰۳/ مقدس اردبیلی، ۱۳۸۳ش، ج ۲، ص ۸۵۶ و ۸۵۷) برخی دیگر در داوری‌شان از حد انصاف خارج شده و این ادعا را از جمله لاطائلات دانسته که مطابق عقل و شرع نیست و شیادان برای سرکیسه کردن مردم آن را طرح کرده‌اند. (سجادی، ۱۳۷۳ش، ج ۲، ص ۱۳۱۹)

ب. در مقابل ایشان، برخی دیگر از علما در بررسی روایات معتقدند که قرینه تقابل میان جفر و جامعه در روایات، دلالت بر تفاوت موضوعات طرح شده در آن‌ها دارد که اگر کتاب جامعه مشتمل بر احکام باشد، کتاب جفر حتماً غیر از آن خواهد بود. اینکه در برخی روایات، محتوای جفر را علم انبیا و اوصیاء گذشته معرفی کرده‌اند، دلالت بر این دارد که علم انبیاء گذشته به احکام ظاهری شریعت محدود نمی‌شده است. البته با وجود تغایر جفر از جامعه و عدم شمول جفر بر احکام شرعی، هیچ اطلاعی نسبت به محتوای آن نداریم، زیرا این مسئله در حیطة علم امام معصوم علیه السلام است. (برکات، ۱۴۲۴ق، ص ۱۳ و ۷۰)

دیدگاه فوق قابل نقد به نظر می‌رسد، زیرا مسکوت گذاشتن عقل به صرف اینکه در روایات، شرح و تفصیلی برای جفر نیامده است، دلیل موجهی نیست. همچنان‌که درباره حقیقت وحی و الهام و سایر منابع علم امام نیز در روایات به تفصیل سخن گفته نشده، اما فیلسوفان اسلامی برای درک بهتر این مفاهیم عمیق، کوشش‌های عقلانی بسیاری مبذول داشته‌اند.

ج. دسته دیگری از علمای شیعه معتقدند کتاب جفر شامل علم جفر است که از جمله علوم غریبه است. اما فهم این علم و داوری درباره صحت آن بستگی به سعه وجودی، تزکیه نفس و مراتب فهم فرد دارد. لذا عملاً از دسترس عموم دانشمندان چه رسد به عوام مردم خارج است. (حسینی، ۱۴۲۶ق، ج ۱۴، ص ۲۳۵ و ۲۳۶/ عطاری، ۱۳۶۵ش، ص ۳/ اخلاطی، بی تا، ص ۲۱)

در جمع‌بندی آرای علما و رفع تعارض ظاهری احادیث گذشته، می‌توان گفت کتاب جفر به عنوان یکی از منابع علوم ائمه علیهم‌السلام از سایر اقسام جفر- که ذکر آن‌ها گذشت- متمایز بوده و کتابی مستقل شمرده می‌شود که موضوعات متعددی را دربردارد. به طور قطع، برخی از ابواب این کتاب مشتمل بر احکام و مسائل شرعی بوده و سایر فصول آن به علوم دیگر اختصاص یافته است. یکی از آن علوم، علوم غریبه و علم جفر است که می‌توان از طریق آن، به اذن خدا علاوه بر اطلاع از حوادث گذشته و آینده، احکام آن‌ها را نیز استخراج کرد.

البته دیدگاه بدبینانه گروهی از علما که معتقدند هیچ نسبتی بین کتاب جفر و علم جفر وجود ندارد، چندان قابل پذیرش نیست، زیرا چنان‌که گذشت، شواهد فراوانی در روایات شیعه و سنی بر این امر دلالت دارد. شاید دلیل بدبینی ایشان، عدم اطلاع از این علم و سوء استفاده افرادی بوده است که با طرح ادعاهای دروغ، خود را عالم به این علم معرفی کرده و مردم را دور خود جمع کرده‌اند. درحالی‌که امکان سوء استفاده از هر علمی وجود دارد و سوء استفاده بر کاذب بودن آن علم دلالت ندارد. علم جفر دارای اصول متقنی است که با تبحر در آن می‌توان به وقایع گذشته و آینده به نحو اجمال و به اذن الله نه مستقل از اراده خداوند عالم گردید، اما اجمال یا تفصیل آن بستگی به فهم فرد، سعه وجودی او، برخورداری از طهارت قلبی و باطنی وی دارد.

همچنان‌که می‌توان گفت این نظر که علم جفر دقیقاً همان صحیفه جفر در نزد ائمه علیهم‌السلام است، هم ادعایی گزاف می‌باشد که برخی فرقه‌ها مانند زیدیه و اسماعیلیه آن را طرح کرده تا حقانیت خود را در مقابل شیعه اثنی عشری اثبات کنند. (ابن خلدون، ۲۰۰۶م، ج ۲، ص ۷۶۷-۷۶۸) درحالی‌که متبحران این علم ادعا نکرده‌اند کتاب جفر مأثور از علی علیه‌السلام به ایشان رسیده است بلکه می‌گویند اصل این علم جفر منقول از علی علیه‌السلام است. (ابن طلحه، ۱۳۹۱ق، ص ۴)

براساس مطالب گذشته می‌توان به این نتیجه رسید که صحیفه جفر صحیفه‌ای الهی است که به ائمه اطهار علیهم‌السلام اختصاص دارد و بخشی از ابواب این کتاب عظیم شامل علم جفر می‌شود که علم اعداد و حروف است؛ دلیل این مسئله این است که سرچشمه همه علوم بشری انبیاء الهی هستند، اما در طول تاریخ استناد این علوم به کتب انبیا و اوصیا

ایشان حذف شده، مانند برخی صنایع بشری که توسط ایشان ابداع گردیده است. (رازی، ابوحاتم، ۱۳۸۱ش، ص ۲۷۳)

متبحران^۲ در این علم معتقدند که کتاب جفر همانند قرآن کریم به ظاهر صورت حسی دارد، اما مبدأ نزول آن ورای عالم حس است و حقیقت آن در عوالم مختلف تنزل یافته تا اینکه در عالم ماده به صورت وجود کتبی و لفظی ظاهر شده است. (صدرالمآلهین، ۱۹۸۱م، ج ۷، ص ۳۰-۳۳) لذا همانطور که بهره‌مندی از آیات قرآن به فهم مخاطب بستگی دارد، فهم جفر نیز این چنین است و بنا بر روایت اهل بیت (علیهم‌السلام) حقیقت جفر نزد آخرین فرد این خاندان مطهر است. نیز با این سخن می‌توان این اشکال مقدر را پاسخ گفت که چگونه کل حوادث گذشته و آینده تا روز قیامت در صحیفه‌ای جای می‌گیرد. همچنان که قرآن به عنوان منبع علم امام دارای بطن‌های بی‌شمار است (بحرانی، بی تا، ج ۱، ص ۴۶/مجلسی، ۱۴۰۴ق [الف]، ج ۲۳، ص ۱۹۷) سایر منابع علم ایشان نیز دارای همین ویژگی هستند، زیرا منبع الفاظ این کتب، تعلیم خداوند متعال است که به املائی پیامبر و خط علی (علیه‌السلام) نگاشته شده و کلام خالق چه به صورت وحی قرآنی باشد یا وحی بیانی، دارای مراتب نامتناهی و تنزلات بسیار است. (جوادی آملی، ۱۳۸۵ش، ج ۴، ص ۱۴۴/عابدی، ۱۳۸۷ش، ص ۴۲) لذا آن گونه که معانی عظیم قرآن به صورت تنزل یافته در «بین الدفتین» قرار گرفته، کل حوادث تا روز قیامت هم در کتاب جفر گنجانده شده است. امام صادق (علیه‌السلام) فرمود: «ما وارثان انبیا هستیم. پیامبر خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) را در پارچه‌ای پوشانید و هزار کلمه به او آموخت و از هر کلمه‌ای، هزار کلمه دیگر گشوده گردید.» (مجلسی، ۱۴۰۴ق [الف]، ج ۴۰، ص ۱۳۴)

نکته دیگر در نقد نظر اهل سنت اینکه به جز ابن عربی و قندوزی که علی (علیه‌السلام) را وارث علم از پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نام برده‌اند، دیگران کتاب جفر را به امام علی و امام صادق (علیه‌السلام) منسوب کرده و آن را سنت میراثی از پیامبر ذکر نکرده‌اند، در حالی که اولاً چنان که گذشت، در منابع اهل سنت نقل شده که پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در موارد گوناگون، علوم را به حضرت علی (علیه‌السلام) املا فرمود و علی (علیه‌السلام) آن‌ها را بر پوست‌های مختلف می‌نگاشت (نسایی، ۲۰۰۱م، ج ۱۲، ص ۱۷/بیهقی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۳۵۱) و ثانیاً در منابع شیعه، املاکننده این متن‌ها حضرت رسول (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و کاتب آن‌ها امام علی (علیه‌السلام) معرفی شده که

نسل به نسل به امام صادق علیه السلام ارث رسیده است.

جامعه و محتوای آن از منظر فریقین

یکی دیگر از منابع مکتوب علوم ائمه علیهم السلام صحیفه‌ای است که در روایات شیعه و اهل سنت، با الفاظ و اوصاف مختلفی مانند «جامعه»، «فیها علم کثیر»، «صحیفه طولها سبعون ذراعاً»، «کتاباً مدروجاً عظیماً»، «هذه املاء رسول الله و خطه علی بن ابیطالب»، «کتاب علی» و «صحیفه عتیقه» توصیف شده است. (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ۳۶۰/ کلینی، بی‌تا، ج ۲، ۲۶۶/ مجلسی، ۱۴۰۴ق [الف]، ج ۲۶، ص ۲۵ و ۴۵/ ابن عبدالبر، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۹۷۳) تعدد عبارات در وصف این مجموعه عظیم که «جامعه» نام دارد، گویای این امر است که حقایق و معارف عظیمی در ابعاد مختلف دانش‌های اسلامی و الهی در آن گنجانده شده و آن کتاب، جامع همه علوم الهی است. همچنان‌که امام حسن علیه السلام فرمود: همان حقیقت علم نزد ماست و ما اهل علم هستیم و کل مجموعه علم با همه جزئیاتش نزد ماست و هر آنچه تا روز قیامت حادث می‌شود، حتی جریمه یک خراش، نزد ما به املائی رسول الله صلی الله علیه و آله و خط علی علیه السلام مکتوب است. (مفید، ۴۱۳ق [ب]، ۲۷۴/ مجلسی، ۱۴۰۴ق [الف]، ج ۴۴، ص ۱۰۰)

مهم‌ترین دلیل وجود این صحیفه این است که ائمه در پاسخ به سؤالات اصحاب خویش و در احتجاج با مخالفانی که یا ادعای امامت داشته یا به غیر احکام خدا حکم می‌نمودند، به کرات به این صحیفه استناد کرده تا ثابت کنند علم ایشان براساس حدسیات و امور ظنی نیست، بلکه علم کاملی است که از رسول خدا صلی الله علیه و آله به ایشان ارث رسیده است. گاهی نیز آن را مستقیماً در معرض رؤیت ایشان قرار داده‌اند که هشت نفر ادعا کرده‌اند که مستقیماً کتاب علی یا جامعه را دیده‌اند. این هشت نفر عبارت‌اند از: ابوبصیر، محمد بن مسلم، یحیی بن شبل، زرارة بن اعین، عبدالملک بن اعین، فضل بن کثیر، معتب مولی ابی عبدالله که از اصحاب ائمه علیهم السلام و حکم بن عتیبه از مخالفان امام‌اند. به جز این افراد، ۱۶۰ راوی دیگر از ائمه علیهم السلام نقل حدیث نموده که ایشان درباره کتاب علی با خصوصیات و صفات مشابه سخن گفته‌اند. (کلینی، بی‌تا، ج ۷، ص ۱۱۹ و ۸۱/ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۶، ص ۱۸۶/ مجلسی، ۱۴۰۴ق [الف]، ج ۲۶، ص ۵۱ و ۲۵/ نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۳۶۰/ قانصو العالمی، ۱۴۲۷ق، ص ۱۸۰-۱۸۷)

با تأمل در منابع حدیثی، می‌توان روایات این باب را در سه گروه طبقه‌بندی کرد:
 الف. دسته اول به صراحت عنوان «جامعه» را ذکر کرده‌اند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:
 جامعه کتابی است که طول آن هفتاد ذراع است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله با زبان مبارکش آن را
 املا نموده و علی علیه السلام با دست خودش آن را نگاشته است و به خدا سوگند، تمام حلال
 و حرام و جمیع احتیاجات مردم تا روز قیامت، حتی دیه خراش و تازیانه زدن یا حتی
 نصف آن خراش و تازیانه، در آن بیان شده است.^۳ (کلینی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۴۵/مجلسی،
 ۱۴۰۴ق[الف]، ج ۲۶، ص ۱۸ و ۳۸/مفید، ۱۴۱۳ق[ب]، ص ۲۵۷/طبرسی، ۱۳۸۱ش،
 ص ۲۰۳)

ب. در گروه دوم از این روایات، کتاب علی با ویژگی‌های کاملاً مشابه جامعه معرفی
 شده است. امام باقر علیه السلام فرمود: نزد ما صحیفه‌ای است از کتب علی که طول آن هفتاد
 ذراع است و ما هرگز از آن تجاوز نمی‌کنیم. (مجلسی، ۱۴۰۴ق[الف]، ج ۲۶، ۲۳)^۴
 ج. دسته سوم صراحتاً به جامعه یا کتاب علی اشاره نکرده، بلکه ائمه به صحیفه‌هایی
 شبیه جامعه اشاره نموده‌اند. امام صادق علیه السلام فرمود: در خانه ما صحیفه‌ای است که طول
 آن هفتاد ذراع است و تمام حلال و حرام در آن جمع شده است. (کلینی، بی‌تا، ج ۱،
 ص ۳۴۹/صفار، ۱۳۸۹ش، ج ۱، ص ۵۱۶/مجلسی، ۱۴۰۴ق[الف]، ج ۲۶، ص ۱۹)

از نظر علمای اهل سنت نیز رسول اکرم صلی الله علیه و آله صحیفه‌هایی را به غیر از قرآن کریم املا
 نموده و برخی صحابه از جمله علی علیه السلام آن‌ها را نگاشته‌اند. به گزارش ایشان، علی علیه السلام
 ثلث قرن با پیامبر مصاحبت دائمی داشت و اگر هر روز فقط یک حدیث می‌نگاشت،
 باید دوازده هزار حدیث از او به جا مانده باشد. (ابوری، بی‌تا، ص ۱۱۳) در منابع ایشان،
 کتابی به نام صحیفه علی شهرت دارد که این عبارات در توصیف آن آمده است: «و لائنه
 جُمع فیها عدة احکام»، «هذه الصحیفه فیها امور کثیره و موضوعات متعدده» که احتمالاً
 مرادشان از صحیفه علی همان جامعه است. (فوزی عبدالمطلب، ۱۴۰۶ق، ص ۴۱/معلمی
 الیمانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۷)

بررسی محتوای روایات

از مجموع این روایات برمی‌آید که صحیفه جامعه روی پوست‌های مختلفی نوشته و به

هم متصل شده‌اند و طول آن‌ها هفتاد ذراع (حدود ۳۵ متر) بوده است که به نظر می‌رسد منظور از کتاب علی، همین مجموعه باشد که در معرض کهنه شدن و زوال قرار نمی‌گیرد. (کلینی، بی تا، ج ۷، ص ۱۱۹/امین عاملی، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۹۳ و ۹۶/مهدوی راد، ۱۳۸۸ش، ص ۲۴۰-۲۴۴/عسکری، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۲۱۳/صدرالمتألهین، ۱۳۶۶ش، ج ۱، ص ۸۶/قانصو العاملی، ۱۴۲۷ق، ص ۱۱۲) زیرا اولاً در روایات، کتاب علی با اوصاف مشابهه جامعه معرفی شده (طول آن‌ها هفتاد ذراع، به املائی پیامبر ﷺ و دستخط علی ﷺ نگاشته شده، جمیع احتیاجات مردم تا روز قیامت در آن موجود است) و ثانیاً مسائل و احکام مستند به جامعه به کتاب علی نیز استناد داده شده است.

با واکاوی در روایات می‌توان ابواب مختلفی از مسائل فقهی، اخلاقی، اعتقادی و گاهی اخبار ملاحم را از کتاب علی و جامعه استخراج نمود که به طور نمونه می‌توان به نماز، روزه، حج، جهاد، بیع، ارث، نکاح و طلاق، اطعمه و اشربه، قضاء، شهادت، معاصی و مناهی، حدود و دیات، اخلاقیات، عقاید و فضایل، تاریخ انبیای ملاحم اشاره کرد. (عسکری، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۳۴۵-۳۴۹/مدرسی طباطبایی، ۱۳۸۳ش، ص ۲۸-۳۲)

نکته مهم این است که در اکثر موارد که از کتاب علی سخن گفته شده، درباره مسائل فقهی، اخلاقی و اعتقادی بوده و استناد ائمه ﷺ به این کتاب درباره اخبار آینده اندک بوده است؛ مانند حدیثی از امام صادق ﷺ در مورد ادعای امامت محمد بن عبدالله بن حسن که فرمود: «نام او را در کتاب علی در زمره خلفا و پادشاهان این امت ندیده است.» (صفار، ۱۳۸۹ش، ج ۱، ۵۴۴/مجلسی، ۱۴۰۴ق [الف]، ج ۲۶، ص ۱۵۵) این استنادات اندک درباره آینده به کتاب علی باعث شده تا برخی در نسبت دادن این کتاب به جامعه دچار تردید شده و این دو متن را غیر از هم لحاظ کنند. اما به نظر می‌رسد که این مسئله درباره جامعه نیز رخ داده است. در عین حال که در اکثر موارد، در توصیف جامعه، احکام فقهی، اخلاقی و اعتقادی بیان شده، اخبار آینده نیز به آن نسبت داده شده است؛ مانند عهدنامه مأمون با امام رضا ﷺ که حضرت در ذیل آن نوشته است که جفر و جامعه بر خلاف آن دلالت دارند و به این وسیله از عهدشکنی مأمون و به سرانجام نرسیدن ولایتعهدی خود خبر می‌دهند. (ابن شهر آشوب، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۳۶۵/حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص ۳۶۸/اربلی، ۱۳۸۲ش، ج ۳، ص ۱۷۸) بنابراین کتاب علی همان

جامعه است که صرفاً به مسائل فقهی محدود نمی‌شود، بلکه بخش‌های عمده‌ای از آن شامل احکام، اخلاقیات و اعتقادات می‌شود اما در ابواب دیگر، حوادث آینده، مسائل تاریخی و معرفتی گنجانده شده است. البته می‌توان از سخن امام رضا علیه السلام برداشت دیگری هم نمود که مأمون به احکام فقهی برخلاف احکام مذکور در جامعه عمل می‌کند که سبب نقض عهدنامه می‌شود و امام علیه السلام از این رخداد آینده خبر می‌دهند. بنابراین در صحیفه جامعه، محدود نکردن علوم بیان‌شده به احکام فقهی، اولاً به خاطر استناد اخبار آینده به آن است و ثانیاً ویژگی خاص این صحیفه این است که ائمه علیهم السلام فرمودند تمام احتیاجات مردم تا روز قیامت در این کتاب وجود دارد و محدود کردن نیازهای مردم تا روز قیامت به قواعد فقهی، دیدگاهی حداقلی به نظر می‌رسد؛ چراکه نیاز ایشان به معارف ربانی و حقایق باطنی دین بسیار بیشتر از قواعد ظاهری آن است. بنابراین جامعه همان کتاب علی است که دارای ابواب مختلفی بوده که محتوای برخی از آن ابواب، احکام فقهی می‌باشد.

برخی از اهل سنت براساس روایت مذکور از امام رضا علیه السلام در باب عهدنامه مأمون، جامعه و جفر را یکی دانسته که صرفاً درباره اخبار غیبی و ملاجم است، اما این سخن نادرست است، زیرا این ادعا که علم این صحیفه‌ها صرفاً علم حروف است، ادعایی بی دلیل است. نیز در بسیاری از روایات شیعه، محتوی جامعه، احکام فقهی مورد نیاز مردم ذکر شده است.

بنابراین در جمع‌بندی مباحث گذشته می‌توان نتیجه گرفت به دلیل اینکه احکام فقهی مستند به کتاب جامعه، بیشتر از اخبارات آینده است و درباره کتاب جفر، بیشتر استنادات ائمه علیهم السلام به اخبار آینده است، بیشتر ابواب جامعه به احکام اختصاص دارد، اما اکثر ابواب کتاب جفر درخصوص رخدادهای آینده (غیبی) است.

نتیجه‌گیری

براساس روایات ذکر شده از طریق معصومین و بررسی محتوای آن‌ها، جفر و جامعه به عنوان دو منبع علم امام از طریق وراثت، از رسول خدا صلی الله علیه و آله به ایشان رسیده که به املائی پیامبر صلی الله علیه و آله و خط علی علیه السلام نگارش یافته است. وجود این آثار مکتوب دلالت بر اثبات امامت ایشان داشته و برای اقناع شیعیان و اسکات مخالفان ائمه علیهم السلام به کار می‌رفته

است. اما در واقع این میراث مکتوب به تعلیم ربانی به دست امام علیه السلام رسیده که با لدنی بودن علم ایشان منافات ندارد، زیرا علم ایشان از سنخ علم به اسماء الهی و علم حضوری است که همه علوم ظاهری و باطنی را دربر گرفته و امکان تبدیل به علم حصولی (آثار مکتوب) را دارد. پیامبر به عنوان صادر اول، واسطه انتقال فیض از مبدأ فیاض به امامان معصوم علیهم السلام به صورت علم حضوری است. لذا به توصیف امام باقر علیه السلام این صحیفه‌ها هرگز دچار کهنگی و پوسیدگی نمی‌شوند. (مجلسی، ۱۴۰۴ق [الف]، ج ۲۶، ص ۲۳) یعنی نه فقط پوستی که این علوم بر روی آن‌ها نگارش یافته از تغییرات عالم ماده مصون است، بلکه علوم ایشان نیز هرگز دچار مرور زمان نمی‌شود و این کهنه نشدن علم حاکی از آن است که این علوم ظهورات اسماء الهی‌اند و در تجلی اسماء الهی هرگز تکرار رخ نمی‌دهد: «كُلُّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنِ» (الرحمن: ۲۹) پس علوم این صحیفه‌ها تجلیات تازه به تازه اسماء و صفات الهی است که همه مردم تا روز قیامت به آن‌ها نیازمندند. (صدر المتألهین، ۱۳۶۶ش، ج ۱، ص ۸۶)

در باب ویژگی جمع شدن احتیاجات مردم در یک صحیفه بدون زوال، تفسیری مطابق با علوم امروز می‌توان ارائه کرد که شاید متن این صحیفه‌ها مانند رایانه است که حجم بسیار زیادی از اطلاعات را در خود جای داده و دیرتر در معرض زوال‌اند و امام علیه السلام هرگاه بخواهد به طریق خاصی علم آن‌ها را ظاهر می‌کند، چنان‌که امام صادق علیه السلام صحیفه‌ای را در مقابل اصحابش گشود که در آن چیزی نوشته نشده بود و کاملاً سفید بود، سپس بر روی آن دست کشید و نوشته‌هایی در آن ظاهر شد. (مفید، بی‌تا، ص ۲۱۶)

در نتیجه‌گیری از روایات جفر و جامعه می‌توان به نکات زیر اشاره کرد:

۱. کتاب جفر صحیفه‌ای مشتمل بر علوم مختلف است و این سخن که جفر صرفاً مخزنی برای نگه‌داری کتب مختلف است، پذیرفتنی نیست. البته جفر ثور به عنوان کیسه نگهداری کتب و سلاح میراثی از پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است.
۲. براساس توصیف متفاوت روایات از جفر و جامعه، کتاب جفر غیر از جامعه است و این دو کتاب، ابواب گوناگونی را شامل می‌شوند که چند باب آن درباره احکام شریعت است و فصول دیگر مشتمل بر اخلاقیات، علوم و دستورات خاص امام

معصوم علیه السلام است. یا اینکه بخشی از علوم مربوط به آینده و اخبار غیبی، همان احکام مربوط به اقتضائات زمان است که تغییر آن در حیطة علم امام علیه السلام می باشد.

۳. درباره کتاب جفر براساس شواهد روایی می توان گفت که حداقل بخشی از ابواب آن مشتمل بر علم جفر است که از علوم غریبه شمرده می شود، اما درباره صحیفه جامعه به نظر می رسد بخش وسیعی از ابواب آن به احکام و دستورات شرعی و اخلاقی اختصاص یافته است.

۴. به طور حتم، می توان بیان کرد که جامعه در روایات به عنوان کتاب علی خوانده شده، زیرا برای هر دو عنوان ویژگی های یکسانی در روایات ذکر شده است. اما آنچه به عنوان صحیفه علی در میان اهل سنت شهرت دارد، همان کتاب علی نیست بلکه کتاب کوچکی است که از آن با عنوان صحیفه نبی نام برده می شود.

پی نوشت ها:

۱. البته علامه محسن امین در جای دیگر، جفر را پوست دباغی شده تعریف کرده که در آن، حوادث گذشته و آینده و احکام آنها نوشته شده است. (امین عاملی، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۹۴)
۲. دانشمندان بزرگی در این علم تبحر داشته و برخی از ایشان، آثاری را در این موضوع تألیف کرده اند که می توان برای نمونه، بزرگانی چون ابن عربی، ابن طلحه شافعی، خواجه نصیرالدین طوسی، شیخ بهایی، میرداماد، میرزا حسین قلی همدانی، محمود دهدار عیانی، میرزا ابوتراب عرفان، سید حسین اخلاطی و علامه حسن زاده آملی را نام برد.
۳. مشابه این روایت می فرماید که طول این طومار هفتاد ذراع و عرض آن به اندازه یک پوست مانند پوست ران شتر بزرگ است. (کلینی، بی تا، ج ۱، ص ۳۴۴، ۳۴۵ و ۳۴۹ / مجلسی، ۱۴۰۴ق [الف]، ج ۲۶، ص ۲۰-۲۶، ۳۳ و ۳۶ / فیض، ۱۴۰۶ق، ج ۳، ص ۵۸۰ / صفار قمی، ۱۳۸۹ش، ج ۱، ص ۵۱۶ و ۵۸۹-۵۲۷)
۴. روایات مشابهی که به کتاب علی خطاب کرده، عبارت اند از: کلینی، بی تا، ج ۱، ص ۵۱ و ج ۲، ص ۲۶۶ / صفار قمی، ۱۳۸۹ش، ج ۱، ص ۶۰۷-۵۹۷ / مجلسی، ۱۴۰۴ق [الف]، ج ۲۶، ۵۳)

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند، تحقیق هیئت علمی دارالقرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی)، ج ۱، تهران: دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۵ق.
۲. ابن اثیر جزری، *النهاية في غريب الحديث*، ج ۴، قم: اسماعیلیان، ۱۳۶۷ق.
۳. ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی، *کمال‌الدین و تمام‌النعمة*، قم: نشر اسلامی، ۱۳۶۳ش.
۴. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، *مقدمه ابن خلدون*، تصحیح علی عبدالواحد وافی، قاهره: نهضة مصر، ۲۰۰۶م.
۵. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، *مشابه القرآن و مختلفه*، بی‌جا: شرکت طبع کتاب، بی‌تا.
۶. _____، *المنقب آل ابيطالب*، تحقیق یوسف البقاعی، بیروت: دارالاضواء، ۱۴۱۲ق.
۷. ابن طلحه، کمال‌الدین ابو سالم محمد، *الجفر الجامع و النور اللامع*، منشورات الکلیات الازهریه، ۱۳۹۱ق.
۸. ابن عبدالبر، *الاستیعاب*، تحقیق علی محمد البجاوی، ج ۱، بیروت: دارالجمیل، ۱۴۱۲ق.
۹. ابن عربی، محیی‌الدین محمد، *درالمکنون*، نسخه خطی کتابخانه آستان قدس رضوی، شماره ۳۳۴۶۲.
۱۰. ابن عساکر، علی بن حسن بن هبة‌الله، *تاریخ دمشق*، تحقیق سکینه شهابی، دمشق: مجمع علمی عربی، ۱۹۸۶ق.
۱۱. ابن المغازلی الشافعی، *منقب علی بن ابيطالب*، ج ۳، بیروت: دارالاضواء، ۱۴۲۴ق.
۱۲. ابن منظور، *لسان العرب*، ج ۳، بیروت: صادر، ۱۴۱۴ق.
۱۳. اربلی، علی بن حسین، *کشف الغمة فی الائمة*، ترجمه زواره‌ای، ج ۳، تهران: اسلامی، ۱۳۸۲ش.
۱۴. ابوریثه، محمد، *شیخ المضیره ابوهریره*، ج ۲، قاهره: المعارف، بی‌تا.
۱۵. اخلاطی، کمال‌الدین حسین، *رسالة فی مصطلحات علم الجفر*، قم: کتابخانه ارومیه، بی‌تا.
۱۶. امین عاملی، محسن، *تفض الشیعه*، ج ۴، بیروت: مؤسسه الاعلمی، ۱۴۰۳ق.
۱۷. _____، *اعیان الشیعه*، بیروت: دارالتعارف، ۱۴۰۶ق.
۱۸. بحرانی، سید هاشم، *ینابیع المعاجز*، قم: المطبعة العلمية، بی‌تا.
۱۹. بخاری، صحیح بخاری، افست استانبول: دارالفکر، ۱۴۰۱ق.
۲۰. برکات، اکرم، *حقیقة الجفر عند الشیعه*، ج ۳، بیروت: دارالصفوه، ۱۴۲۴ق.
۲۱. بیهقی، ابی‌بکر احمد بن حسین بن علی، *السنن الکبری*، تحقیق عبدالقادر عطا، ج ۱، بیروت: الکتب العلمیه، ۱۴۱۴ق.

۱۴۴ □ دو فصلنامه حدیث پژوهی، سال هشتم، شماره شانزدهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۵

۲۲. تفتازانی، سعدالدین عمر، شرح المقاصد فی علم کلام، ج ۱، پاکستان: المعارف النعمانیه، ۱۴۰۱ق.
۲۳. جرجانی، ابی احمد عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفاء الرجال، تحقیق سهیل زگار، ج ۲، بیروت: الفکر، ۱۴۰۵ق.
۲۴. جرجانی، میر سید شریف، شرح المواقف، تصحیح بدرالدین نعسانی، ج ۱، افست قم: الشریف الرضی، ۱۳۲۵.
۲۵. جوادی آملی، عبدالله، ادب فنای مقربان، ج ۱، قم: اسراء، ۱۳۸۵ش.
۲۶. حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله، کشف الظنون، بیروت: احیاء تراث عربی، بی تا.
۲۷. حداد عادل و جمعی نویسندگان، دانشنامه جهان اسلام، بنیاد دائرة المعارف اسلامی، ۱۳۷۵ش.
۲۸. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم: آل البیت (ع)، ۱۴۰۹ق.
۲۹. حسینی طهرانی، محمدحسین، امام شناسی، ج ۳، مشهد: علامه طباطبایی، ۱۴۲۶ق.
۳۰. حسین زاده باجگیران، محسن، پژوهشی درباره کتاب جامعه، نشریه دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی، شماره ۵۱ و ۵۲، ۱۳۸۰ش.
۳۱. حسن زاده آملی، حسن، هزار و یک کلمه، ج ۲، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۱ش.
۳۲. دهدار عیانی، محمد، مفاتیح المغالیق، نسخه خطی، مشهد: آستان قدس رضوی، شماره ۱۰۷۷۰.
۳۳. رازی، ابوحاتم، أعلام النبوة، تحقیق صلاح صاوی و غلامرضا اعوانی، ج ۲، تهران: حکمت و فلسفه، ۱۳۸۱ش.
۳۴. سجادی، جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، ج ۳، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
۳۵. شوشتری، نورالله، احتفای الحق و ازهاق الباطل، ج ۱، قم: مکتبه مرعشی نجفی، ۱۴۰۹ق.
۳۶. صدرالمتهلین، محمد بن ابراهیم، شرح اصول کافی، تصحیح محمد خواجهی، ج ۱، تهران: مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۶ش.
۳۷. _____، الحکمة المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه، ج ۳، بیروت: احیاء ثراث، ۱۹۸۱م.
۳۸. صفار قمی، محمد بن حسن، بصائر الدرجات فی علوم آل محمد، ترجمه و تصحیح علیرضا زکی زاده، ج ۱، قم: وثوق، ۱۳۸۹ش.
۳۹. طباطبایی، محمدحسین، رساله الولایه، ترجمه همایون همتی، ج ۱، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۶ش.
۴۰. طبرسی، امین الاسلام، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۵ق.
۴۱. طبرسی، ابومنصور احمد بن علی، احتجاج علی اهل اللجاج، ترجمه جعفری، ج ۱، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۸۱ش.

۴۲. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرين، ج ۳، تهران: مرتضوی، ۱۴۱۶ق.
۴۳. طوسی، محمد بن حسن، الغیبة، تحقیق عبداللہ تهرانی، ج ۳، قم: المعارف الاسلامیه، ۱۴۲۵ق.
۴۴. عابدی، احمد، «وحی قرآنی و وحی بیانی»، فصلنامه اندیشه نوین دینی، قم: سال چهارم، شماره ۱۳، ۱۳۸۷ش.
۴۵. عسکری، مرتضی، معالم المدرستین، ج ۴، تهران: مؤسسه البعثه، ۱۴۱۲ق.
۴۶. عطاری، محمد، مجموعه علوم جفر آیات و روایات اسم اعظم و اشعار شیخ بهایی، قم، ۱۳۶۵ش.
۴۷. فوزی عبدالمطلب، رفعت، صحیفه علی بن ابیطالب علیه السلام، ج ۱، قاهره: السلامه، ۱۴۰۶ق.
۴۸. فیض کاشانی، محمد محسن، کتاب الوافی، تعلیق و تصحیح ضیاء الدین حسینی، ج ۱، اصفهان: امیرالمؤمنین، ۱۴۰۶ق.
۴۹. قانصو العاملی، محمود، کتاب علی (الجامعه)، ج ۱، قم: ذوی القربی، ۱۴۲۷ق.
۵۰. قندوزی الحنفی، سلیمان بن ابراهیم، ینابیع المودة لذوی القربی، تحقیق علی جمال اشرف الحسینی، ج ۱، قم: دارالاسوه، ۱۴۱۶ق.
۵۱. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه جواد مصطفوی، ج ۱، تهران: الکتب اسلامیه، بی تا.
۵۲. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت: الوفاء، ۱۴۰۴ق [الف].
۵۳. _____، مرآة العقول، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۴ق [ب].
۵۴. مدرسی طباطبایی، حسین، میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین، ترجمه رسول جعفریان و علی قزایی، قم: ادیان، ۱۳۸۳ش.
۵۵. معلمی الیمانی، عبدالرحمن، انوار الکاشفة، بیروت: عالم الکتب، ۱۴۱۲ق.
۵۶. مغنیه، محمدجواد، الجوامع و الفوارق بین السنة و الشیعة، ج ۱، بیروت: مؤسسه عزالدین، ۱۴۱۴ق.
۵۷. مفید، محمد بن نعمان، مصنفات الشیخ المفید (اوائل المقالات فی المذاهب والمختارات)، ج ۱، بی جا: مؤتمر العالمی لالفیة الشیخ المفید، ۱۴۱۳ق [الف].
۵۸. _____، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۱، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق [ب].
۵۹. مقدس اردبیلی، حدیقه الشیعه، تصحیح صادق حسن زاده، ج ۳، قم: انصاریان، ۱۳۸۳ش.
۶۰. موسوی بجنوردی، محمد کاظم و دیگران، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، مرکز دائرة المعارف بزرگ، ۱۳۶۷ش.
۶۱. مهدوی راد، محمدعلی، تدوین الحدیث عند الشیعة الامامیه، ج ۱، تهران: هستی نما، ۱۳۸۸ش.
۶۲. نجاشی، احمد بن علی بن العباس، رجال النجاشی، تحقیق موسی شبیری زنجانی، ج ۱، قم: نشر

۱۴۶ □ دو فصلنامه حدیث پژوهی، سال هشتم، شماره شانزدهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۵

اسلامی، ۱۴۰۷ق.

۶۳. نجفی لاری، معارف سلمانی بمراتب الخلفاء الرحمانی، در علم امام مجموعه مقالات، چ ۱، قم:

دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۸۸ش.

۶۴. نسائی، احمد بن علی، السنن، به کوشش شعیب الارنؤوط، بیروت: بی نا، ۲۰۰۱م.